انضمام حافظه به ماشین و هوشمند شدن آن و تفکیک آن از ادراک

این را برای چه عرض کردم؟ برای اینکه در بحث مباحثه سیرافی، بحث خیلی مهمی را داشتیم. اگر حافظه را از درک‌هایمان حذف کنیم، هیچ چیزی از این مطالبی که الآن صحبت می‌کنیم، نداریم. پنج نوع حافظه داشتیم که عرض کردم سه-چهار تا از آن‌ها را نمی‌توانیم حذف کنیم، اما حافظه فیزیولوژیکی را می‌شود حذف کرد؛ مثلاً آلزایمر می‌گیری و می‌بینیم که همه آن می‌رود. فعلاً در نظام ذهن ما و دستگاهی که ما داریم و در دستگاه نشانه‌شناسی، آنچه که حرف اول را می‌زند برای اینکه یک قدم کوچک بتوانیم جلو برویم، حافظه است. اگر حافظه را برداری، دیگر چه چیزی هست؟!

مثلاً شما می‌گویی‌د نمادها را به این بچه دادیم. اگر بچه هیچ حافظه نداشته باشد، هر چه به او گفتیم محو می‌شود در دفعه بعدی، قرار نیست کار ما را انجام بدهد. حتی همین بچه‌هایی که کوچک است، اگر حافظه نداشت، وقتی که دید، لحظه بعد محو می‌شود. او با حافظه‌هایی که دارد، کارها را ادامه می‌دهد.

حال چون وقت دارد می‌رود، تفاوت‌ها را بگویم. ماشینی که ایشان فرض گرفته‌اند، ترازو است. ترازو، یک ماشین فیزیکی ساده‌ی ساده است. یعنی فقط متشکل از حرکات فیزیکی محض است؛ راست هم می‌گویند و آیینه هم همینطور است. خبر ندارد که کفه دارد پایین می‌رود. اما الآن به این ترازو، یک سیستم حافظه اضافه کنید؛ مثلاً هر بار که پایین می‌رود، یک چیزی را ثبت کنید که من تا آنجا رفتم و این اندازه پایین رفتم. نه اینکه آن چیزی بفهمد؛ فقط سیستمش گسترده شده است. یعنی به این سیستم فیزیکی، یک سیستم ثبت پایین رفتن‌هایش اضافه شده. مثلاً مقابل کفه‌اش سوراخ‌هایی را تعبیه می‌کنید که تا هر کجا پایین رفت و ایستاد، علامتی وارد آن سوراخ شود که بعداً به کار بیاید. معنایش این است که دارید ترازو را هوشمند می‌کنید. هوشمندی‌ای که باز درک معنا به این معنایی که شما می‌گویی‌د ندارد، اما کسی که خبر نداشته باشد، می‌تواند این ترازو طوری رفتار کند که به خیالش یک آدمی پشت ترازو دارد آن را کنترل می‌کند. الآن هوش مصنوعی همین است. تست تورینگ چه بود؟ تست تورینگ این بود که ماشین طوری رفتار کند که شما را به اشتباه بیندازد که آیا این یک انسان است که دارد با من مراوده می‌کند و حرف می‌زند یا یک ماشین است؟! به برکت ضمیمه کردن حافظه و ثبت اطلاعات و برقرار کردن ارتباطات بین این اطلاعاتی که ثبت شده، یک ترازو، هوشمند می‌شود. اما هوشمندی که باز هم درکی از معنا ندارد.

پس درست است که این مثال زود کار را تمام می‌کند؛ این برای این است که از ماشینی مثال زدن که سیستم حافظه به او اضافه نشده. اگر اضافه شد، سؤال اصلی مطرح می‌شود. فلذا خودشان فرموده‌اند: **«با توجه به دو نکته فوق، سؤالی که می‌توان طرح کرد این است: معنابینی در ماشین ممکن است؟ برای جواب به سؤال فوق، این سؤال باید جواب داده**

شود که: معنا چیست؟»؛ معنابینی ممکن است؟ و معنا چیست؟ آیا وقتی یک سیستم حافظه به یک ماشین اضافه شد، می‌تواند در تست تورینگ شرکت کند یا نه؟ تا حدی که حتماً می‌تواند؛ ماشینی که یک انسان قویای را در بازی ببرد، معلوم می‌شود در آن نمایش درک معنا کارآیی دارد. خب حال درک معنا دارد یا ندارد؟ این همان بحث اصلی ما است که ان شاء الله با توضیحاتی خدمت شما می‌گویم. گمان من این است: معنا در آن صورتی که چوهره معنا است، نه، ما در ماشین درک معنا نداریم. شاید جلسه قبل هم اشاره کردم. اما این‌که ببینیم معنا چیست و چرا ماشین می‌تواند خودش را به عنوان درک‌کننده معنا نمایش بدهد و تظاهر کند که من هوشمند هستم، سؤال مهمی است. خب چرا می‌تواند؟! به‌خصوص اگر گفتیم خودش می‌تواند یادگیری ماشین داشته باشد؛ نه چیزهایی که ما به آن می‌دهیم، بلکه خودش بعداً یاد می‌گیرد؛ برنامه‌نویس درک نکرده، ولی او خودش با الگوریتم‌های یادگیری به الگوریتمی رسیده که خود این برنامه‌نویس بلد نبوده. چطور بگوییم که درک معنا ندارد؟! توصیف و توضیح درک معنا، در ماشینی که درکی ندارد، چطور است؟ کسانی که سراغ شبیه‌سازی و تشکیل شبکه‌های عصبی رفته‌اند و از آن نمادگرائی فاصله گرفته‌اند، از همین‌جا بوده؛ یعنی تلاششان این است. لذا خود تورینگ کتابی دارد که در آن کتاب، او می‌گوید فقط خلق روح و آن هم محترم است کار خدای متعال که او باید ایجاد کند و ایجاد روح دست ما نیست. می‌گوید بقیه چیزها و هر چه را بگوییم، ادعای من این است که در ماشین می‌شود. خب این به خاطر درک ناقص او از افلاطونگرائی است. اگر آن فیزیکالیسمی که عرض کردم را برسیم و در دماغ بشر و کارهایی که بشر انجام می‌دهد، وقتی به آن آنتن رسیدند، خیلی مهم است.

بازبینی #2
ایجاد شده 23 سپتامبر 2024 14:22:12 توسط ... .
به روزرسانی شده 23 سپتامبر 2024 14:36:00 توسط ... .